گفت وگوی «شرق» با مستندساز و پژوهشگر تاریخ معاصر به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حادثه ۷ مهر

معمای یک سقوط

بازخوانی ابعاد مهم و مبهم واقعه‌ای که تاریخ جنگ و تاریخ ایران را تغییر داد

عبدالرحمن فتح‌الهی: اگرچه در تاریخ جنگ و در کل تاریخ انقلاب، حوادث مهم و پیچیده کم نیست اما سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ (معروف به هرکولس) در غروب هفتم مهر سال ۱۳۶۰ و درست بعد از انجام عملیات ثامن‌الائمه و شکست حصر آبادان که به شهادت ولی‌الله فلاحی، یوسف کلاهدوز، سیدمحمد جهان‌آرا، جواد فکوری و سیدموسی نامجو منجر شد، از آن دست حوادثی است که درعین اهمیت و تاثیرگذاری بر تاریخ جنگ، همچنان با ابهاماتی درخصوص روشن نشده است و پژوهشگران با تعدد، تنوع و تضاد روایت‌ها درباره‌اش روبه‌رو هستند. سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ با شماره پرواز ۵۰ در منطقه کهریزک تهران، عملا معادلات جنگ ایران و عراق را تغییر داد؛ فتح خرمشهر به هشت ماه بعد از آن موکول شد و مهم‌تر از آن جنگ بیش از هفت سال دیگر ادامه یافت. اهمیت سرنشینان پرواز با دشده تا جایی بود که نیروی هوایی ارتش، وزارت دفاع، ستاد مشترک ارتش و جایگاه قائم‌مقامی سپاه پاسداران، دریک روز با خلأ فرماندهان خود مواجه شدند و معادلات جنگ تغییر کرد. به هرحال، فقدان هم‌زمان جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام درشورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) در یک واقعه عملا می‌تواند وضعیت جبهه‌های جنگ را تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌خصوص آنکه خلوء نسلسله مشترک و افسران ارشد سال ۶۰ و اوایل سال ۶۱ مطرح نبود؛ یعنی ایران هنوز یک توازن قوا در برابر عراق نرسیده بود. بنابراین شکندگی جبهه‌ها کاملا بزرگ بود و با این اتفاق می‌توانست وضعیت بیش از پیش شکننده‌تر شود؟

اتفاقا همین‌طور هم بود و این حادثه تاثیر مخربی بر روحیه رزمندگان گذاشت.

● البته بیش از این حادثه عملیات‌هایی همچون «ثامن‌الائمه» و شکست حصر آبادان، عملیات سوسنگرد با عملیات‌های کوچکی مانند عملیات کوی ذوالفقار، عملیات نصر، مسلم بن‌عقیل، محمد رسول‌الله، شهید مدنی، ضربت ذوالفقار، عملیات ثامن توکل و... انجام شده بود اما توازن یک‌سانی لازم به عملیات‌های مانند طریق‌القدس در آبان ۶۰ یا عملیات فتح‌المبین در فروردین ۶۱ و از همه مهم‌تر فتح خرمشهر (بیت‌المقدس) در خرداد ۶۱ و رسیدن به نقطه صفر مرزی با عراق صورت نگرفته بود. این حادثه و دنبود این افراد در این برهه زمانی چگونه برشد؟

واقعیت این است زمانی که در یک روز پنج فرمانده ارشد و سپاه در طی حادثه‌ای مشکوک و مبهم مفقود می‌شوند، قطعا می‌تواند یک خلأ بزرگ را در روحیه تمام رزمندگان در کل جبهه‌ها از غرب تا جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های جزئیات را دقیق به خاطر داشته باشد اما آگاهی رای‌شهری که آن زمان به‌عنوان دادستان نیروهای مسلح، مسئول مستقیم پرونده بودند نیز به مدرک قابل قبولی برای روشن‌شدن ابعاد مبهم این حادثه نرسیدند یا حداقل من یا مراجعه به آرشیو اطلاعات و نشریات آن زمان به این جمع‌بندی رسیده‌ام که آقای رای‌شهری هم نتوانستند به نتیجه خاصی برسند. در نتیجه پرونده را مختومه اعلام کردند. ناگفته نماند که برادر شهید نامجو هم در همین حادثه سقوط هواپیما در هفتم مهر سال ۶۰ به شهادت رسیدند.

● درخصوص سرداران محسن رضایی و رحیم‌صفوی چطور؟ چون سرهنگ شریف‌النسب در مصاحبه با شما به این دو در کنار رای‌شهری اشاره کرده بود.

واقعیت آن است که ایشان (شریف‌النسب) معتقدند منطقا این افراد بیشتر از همه به ابعاد و زوایای حادثه واقف هستند؛ چون گزارش‌ها، اطلاعات و نتیجه بررسی‌ها به آنها داده می‌شد. اما به هر دلیل این آقایان در این رابطه فعلا سکوت کرده‌اند.

● درپژوهش تاریخی، گردآوری اطلاعات و مصاحبه برای تهیه مستند سقوط سی-۱۳۰ سراغ این دو (رضایی و رحیم‌صفوی) رفتید؟

بله؛ مگر می‌شود سراغشان نرفت؟!

● نتیجه چه شد؟ چون من در مستند شما با مجموعه مصاحبه‌های منتشرشده از شما با افراد دخیل و درگیر با این حادثه، مصاحبه ندادند.

حقیقت آن است من زمانی که می‌خواستم در این خصوص با آقای محسن رضایی گفت‌وگو کنم، ایشان به من وقت مصاحبه ندادند.

● سردار رحیم‌صفوی هم؟

بله آقای رحیم‌صفوی هم مانند محسن رضایی وقت مصاحبه‌ای به من ندادند. البته آقای رای‌شهری هم که در زمان تولید مستند در قید حیات بودند، به من وقت مصاحبه ندادند. جا دارد این را هم بگویم که اساسا مرحوم رای‌شهری درخصوص دیگر پرونده‌های دادگاه انقلاب هم که کار پژوهشی انجام می‌دادم، وقت مصاحبه‌ای به من ندادند؛ گویا خیلی تمایلی به گفت‌وگو در این رابطه‌ها نداشتند.

● به سراغ مرحوم نامجو آنها رفتید. آیا در مصاحبه‌هایی که با خانواده مرحوم کلاهدوز، فلاحی، جهان‌آرا و فکوری هم که داشتید، به نتایج و ابعاد جدیدی از این حادثه نرسیدید؟

واقعیت امر آن است که من از مصاحبه با خانواده این شهدا و فرمانده‌های ارشد سپاه و ارتش به مسئله خاصی نرسیدم.

● چرا؟ مگر می‌شود خانواده این فرماندهان چیزی ندانند؟

چون اطلاعات خاصی از طرف مقامات و مسئولان در آن زمان در اختیار خانواده آنها قرار نگرفته بود که بخواهند آن را به من انتقال دهند. همان‌گونه که قبلا اشاره کردم، خانواده شهید نامجو و پسر ارشدش به‌صراحت عنوان کردند وزارت اطلاعات این پرونده را مختومه اعلام کرد. خانواده شهید فکوری و پرسش آقای علی فکوری هم در گپ‌وگفت با من مطلع هستند که سقوط هواپیما در هفتم مهر در حالی که در حال جابه‌جایی نیروها در غرب و جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های مانند تامن‌الائمه و شکست حصر آبادان تحت‌الشعاع قرار گرفت. درحالی‌که با این عملیات (ثامن‌الائمه) تازه روحیه جبهه‌ها قدری بهبود نیز به مدرک قابل قبولی برای روشن‌شدن ابعاد مبهم این حادثه نرسیدند یا حداقل من با مراجعه به آرشیو اطلاعات و نشریات آن زمان به این جمع‌بندی رسیده‌ام که آقای رای‌شهری هم نتوانستند به نتیجه خاصی برسند. در نتیجه پرونده را مختومه اعلام کردند. ناگفته نماند که برادر شهید نامجو هم در همین حادثه سقوط هواپیما در هفتم مهر سال ۶۰ به شهادت رسیدند.

● درخصوص سرداران محسن رضایی و رحیم‌صفوی چطور؟ چون سرهنگ شریف‌النسب در مصاحبه با شما به این دو در کنار رای‌شهری اشاره کرده بود.

واقعیت آن است که ایشان (شریف‌النسب) معتقدند منطقا این افراد بیشتر از همه به ابعاد و زوایای حادثه واقف هستند؛ چون گزارش‌ها، اطلاعات و نتیجه بررسی‌ها به آنها داده می‌شد. اما به هر دلیل این آقایان در این رابطه فعلا سکوت کرده‌اند.

● درپژوهش تاریخی، گردآوری اطلاعات و مصاحبه برای تهیه مستند سقوط سی-۱۳۰ سراغ این دو (رضایی و رحیم‌صفوی) رفتید؟

بله؛ مگر می‌شود سراغشان نرفت؟!

● نتیجه چه شد؟ چون من در مستند شما با مجموعه مصاحبه‌های منتشرشده از شما با افراد دخیل و درگیر با این حادثه، مصاحبه ندادند.

حقیقت آن است من زمانی که می‌خواستم در این خصوص با آقای محسن رضایی گفت‌وگو کنم، ایشان به من وقت مصاحبه ندادند.

● سردار رحیم‌صفوی هم؟

بله آقای رحیم‌صفوی هم مانند محسن رضایی وقت مصاحبه‌ای به من ندادند. البته آقای رای‌شهری هم که در زمان تولید مستند در قید حیات بودند، به من وقت مصاحبه ندادند. جا دارد این را هم بگویم که اساسا مرحوم رای‌شهری درخصوص دیگر پرونده‌های دادگاه انقلاب هم که کار پژوهشی انجام می‌دادم، وقت مصاحبه‌ای به من ندادند؛ گویا خیلی تمایلی به گفت‌وگو در این رابطه‌ها نداشتند.

● به سراغ مرحوم نامجو آنها رفتید. آیا در مصاحبه‌هایی که با خانواده مرحوم کلاهدوز، فلاحی، جهان‌آرا و فکوری هم که داشتید، به نتایج و ابعاد جدیدی از این حادثه نرسیدید؟

واقعیت امر آن است که من از مصاحبه با خانواده این شهدا و فرمانده‌های ارشد سپاه و ارتش به مسئله خاصی نرسیدم.

● چرا؟ مگر می‌شود خانواده این فرماندهان چیزی ندانند؟

چون اطلاعات خاصی از طرف مقامات و مسئولان در آن زمان در اختیار خانواده آنها قرار نگرفته بود که بخواهند آن را به من انتقال دهند. همان‌گونه که قبلا اشاره کردم، خانواده شهید نامجو و پسر ارشدش به‌صراحت عنوان کردند وزارت اطلاعات این پرونده را مختومه اعلام کرد. خانواده شهید فکوری و پرسش آقای علی فکوری هم در گپ‌وگفت با من مطلع هستند که سقوط هواپیما در هفتم مهر در حالی که در حال جابه‌جایی نیروها در غرب و جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های

آنکوه به مطرح است این فرماندهان حاضر در هواپیمای سی-۱۳۰ از ۳مدا اهواز اساسا با هدف و نیت حضور در جحران و مشورت با امام عازم تهران بودند. مسئله طرح عملیات آزادسازی خرمشهر نیز یکی از موضوعات مهم و پیچیده بحث‌برانگیز در دیدار با امام بود. تکته مهم‌تر آنجاست که قرار بود بعد از آزادسازی خرمشهر جنگ هم به پایان برسد.

◆◆◆

سقاط شدن هواپیمای مسافبری اوکراینی یا پدافند خودی باعث شد بررسی ابعاد سانحه سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ در ۷ مهر سال ۱۳۶۰ بیش از قبل به یک تابو تبدیل شود. بنابراین در این چند سال فعلا صلاح دیدم قسمت دوم آن ساخته نشود. چون احتمال داشت با حواشی بعدی اساسا کل مسئله به حاشیه کشیده شود.

● زمان برسمتک دوره رونمایی از مستند محمدعلی شریف‌النسب، از فرماندهان میانی ارتش در دوران جنگ، در اظهارنظری در هفت مهر ۱۳۹۶، این واقعه را «در حد مشکوک» عنوان کرد.

آقای شریف‌النسب با مرحوم فلاحی، کلاهدوز و نامجو سابقه رفاقت داشته است اما زمانی که من برای تهیه این مستند با اعضای خانواده این فرماندهان مصاحبه و گفت‌وگو داشتم، نکته مهمی را پسر ارشد شهید نامجو ذکر کردند. دال بر اینکه رابطه و دلایل این حادثه و سقوط برای مقامات و مسئولان آن زمان هم مشخص نبود و گفته می‌شد در حال بررسی و پیگیری مسئله هستند. حالت اینجاست که بعد از تشکیل وزارت اطلاعات، بررسی ابعاد و عوامل سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ به این وزارتخانه سپرده شد اما وزارت اطلاعات در آن زمان این پرونده را مختومه اعلام کرد.

● یعنی وزارت اطلاعات دوره وزیری شهری دادستان و پرونده رسیدگی کند؟

آن‌گونه که پسر ارشد شهید نامجو به من گفتند، آن زمان وزارت اطلاعات عنوان کرد به دو دلایل و وقوع هست‌وند و قطعی‌ای نرسیده است که بتواند ابعاد این حادثه را کشف کند. البته سن فرزند شهید نامجو به آن زمان نمی‌رسد که

● نخستین سؤالی که درخصوص حادثه هفتم مهر سال ۶۰ ذهن را درگیر می‌کند. این است که چرا این حادثه پس از گذشت بیش از چهارده دهه هنوز با ابهام و پیچیدگی مواجه است؟ چرا با این میزان از تعدد، تنوع و حتی تضاد روایت‌ها درباره دلایل این سقوط مواجه هستیم؟

در رابطه با چرایی ابهام درخصوص حادثه هفتم مهر سال ۶۰ باید به دو نکته کلیدی یا بهتر بگویم دو نقد کلی اشاره کرد. اول آنکه ما در تاریخ معاصر خود، با تمرکز بر تاریخ انقلاب، به دلیل آنکه وقایع را درست بررسی و تجزیه‌وتحلیل نمی‌کنیم، پس از گذشت چند سال و حتی چند دهه به عمق و اهمیت آن حادثه و ماجرا پی می‌بریم و تازه این خلأ بیشتر نمایان می‌شود که چرا به آن حادثه توجه لازم نشده است و به سادگی و با نگاهی سطحی از آن گذر کرده‌ایم. نکته دیگر آن است که متاسفانه ما در کشوری زندگی می‌کنیم که دائم در حال تجربه‌کردن اتفاقات و حوادث متعدد و تقابل با بحران‌های ریز و درشت است؛ بنابراین طبیعی است که این دست اتفاق‌ها مانند حادثه هفتم مهر سال ۶۰ به فراموشی سپرده شود. چه برسد به اینکه بخواهیم ابعاد مبهم و زوایای پنهان آن را روشن کنیم.

● درباره همین آسیب‌شناسی دومنان، آیا بحران‌های سال‌های ابتدایی انقلاب توجیهی برای نادیده‌گرفتن اهمیت حادثه هفت مهر می‌شود؟

خیر، به نظر من هم توجیهی برای فراموش‌شدن یا میهمان‌شدن این حادثه نیست اما به‌هرحال سیل اتفاق‌ها و بحران‌ها در تاریخ انقلاب از همان سال ۵۷ و پس از آن آغاز جنگ تحمیلی درگیرشدن در حدود ۷۰۰ کیلومتر از مرز مشترک با عراق، اختلاف‌های سیاسی داخلی به‌خصوص ترور و دست به اسلحه شدن مجاهدین خلق و دیگر مسائل، خودبه‌خود دست به دست هم داد که عملا حادثه هفتم مهر به حاشیه برود یا بهتر بگویم زیر خروارها حادثه و اتفاق دیگر هم شود؛ تا جایی که حتی بخشی از جامعه و اطقار عمومی پس از گذشت ۴۱ سال هنوز نمی‌دانند فلاحی، فکوری، جهان‌آرا، نامجو و کلاهدوز با همدیگر و در یک حادثه شهید شده‌اند. این جای تعلق و آسیب‌شناسی بیشتر من را برنگیزتر می‌کند که چرا متخصصا در رابطه با این حادثه از‌قدر اطلاع‌رسانی و روشنگری نشده است که ما پس از چهار دهه، نه توانسته‌ایم زوایای پنهان و ابهامات این حادثه را به درستی درک کنیم و نه بدتر از آن توانسته‌ایم آن را به جامعه و مردم کشور به درستی معرفی کنیم.

● سؤال قبلی خود به شکل دیگری می‌پرسم؛ به‌هرحال اتفاقات و حوادث مهم و پیچیده در تاریخ معاصر ایران و تاریخ انقلاب کم نیستند اما چرا درخصوص این حادثه مشخص هنوز سؤال و گمانه‌زنی‌های متعددی وجود دارد؟

من هم جواب درسنی برای این سؤال ندارم که چرا جمعی از مهم‌ترین فرماندهان ارشد وقوع سپاه و ارتش در یک حادثه مشکوک شهید می‌شوند اما پس از چهار دهه ابهام در این رابطه وجود دارد؟!

● قبول دارید که ابهام درخصوص حادثه هفتم مهر دیری متفاوت از دیگر حوادث این چنینی است؛ اگرچه بعدها حادثه سقوط هواپیمای حامل سرلشکر منصور ستاری (فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش) در ۵ دی ۱۳۷۳ با حادثه سقوط دسوفالکن ۲۰ حامل احمد کاظمی در ۹ دی ۱۳۸۴ و... شکل گرفت؟

بله، من هم معتقدم ابهام در این حادثه بسیار زیاد است. این ابهام تا جایی بود که حتی ۴۰ روز پس از سقوط هواپیما، خبر شهادت فکوری را رسانه‌ای شد. واقعا برای من که در این خصوص مستندی ساخته‌ام، هنوز جای سؤال است که چرا بلد خبر شهادت فرمانده مهم‌ترین جبهه کشور در جنگ، یعنی فرمانده سپاه خوزستان که یک نقطه استراتژیک در جنگ بود، این‌گونه با تاخیر زیاد رسانه‌ای شد؟

● آیا این ابهام می‌تواند به دلیل مسائل مربوط به بدنه ارتش باشد؟

سؤال جالبی را طرح کردید. از این بابت که من زمانی که پروسه کردآوری اطلاعات در رابطه با ساخت مستند حادثه هفتم مهر-۱۳۰ را پیگیر شدم، من از طرف خانواده شهید نامجو که پیگیر شدم، گویا خانواده شهید فلاحی هم از این مسئله گلایه می‌کردند.

● ولی در این بین خانواده شهید جهان‌آرا برخی ادعاها را مطرح کردند. در این رابطه ادعای پدر شهید جهان‌آرا مبنی بر کارگزاری بمب دریکی از تابوت‌های شهدا و انفجار آن در هواپیما به‌عنوان علت اصلی سقوط سی-۱۳۰ را تا چه حد جدی می‌دانید؟

بله. پدر شهید جهان‌آرا قبل از فوتشان در جد مصاحبه این ادعا را مطرح کردند اما حقیقتا من در پژوهش‌هایی که انجام دادم و در مصاحبه با افراد، کارشناسان و کسانی که در این حادثه به شکل مستقیم درگیر بودند، صحبت این ادعا را رد کردند. حتی خود خلبان خودش گفته‌اند که در داخل هواپیما اصلا بمبی معنی نشده است، چه در تابوت شهدا یا هر جای دیگر.

● سؤال مهم‌تری که مطرح است. این است که چرا با این حادثه و شهادت ولی‌الله فلاحی، جواد فکوری، سیدموسی نامجو، یوسف کلاهدوز و محمد جهان‌آرا تاثیری ملموس در جبهه‌ها احساس نشد؟ به هر حال خط همزمان کلیل ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) در یک واقعه عملا می‌تواند وضعیت جبهه‌های جنگ را تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌خصوص آنکه خلوء نسلسله مشترک و افسران ارشد سال ۶۰ و اوایل سال ۶۱ مطرح نبود؛ یعنی ایران هنوز یک توازن قوا در برابر عراق نرسیده بود. بنابراین شکندگی جبهه‌ها کاملا بزرگ بود و با این اتفاق می‌توانست وضعیت بیش از پیش شکننده‌تر شود؟

اتفاقا همین‌طور هم بود و این حادثه تاثیر مخربی بر روحیه رزمندگان گذاشت.

● البته بیش از این حادثه عملیات‌هایی همچون «ثامن‌الائمه» و شکست حصر آبادان، عملیات سوسنگرد با عملیات‌های کوچکی مانند عملیات کوی ذوالفقار، عملیات نصر، مسلم بن‌عقیل، محمد رسول‌الله، شهید مدنی، ضربت ذوالفقار، عملیات ثامن توکل و... انجام شده بود اما توازن یک‌سانی لازم به عملیات‌های مانند طریق‌القدس در آبان ۶۰ یا عملیات فتح‌المبین در فروردین ۶۱ و از همه مهم‌تر فتح خرمشهر (بیت‌المقدس) در خرداد ۶۱ و رسیدن به نقطه صفر مرزی با عراق صورت نگرفته بود. این حادثه و دنبود این افراد در این برهه زمانی چگونه برشد؟

واقعیت این است زمانی که در یک روز پنج فرمانده ارشد و سپاه طی حادثه‌ای مشکوک و مبهم مفقود می‌شوند، قطعا می‌تواند یک خلأ بزرگ را در روحیه تمام رزمندگان در کل جبهه‌ها در غرب تا جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های

مانند تامن‌الائمه و شکست حصر آبادان تحت‌الشعاع قرار گرفت. درحالی‌که با این عملیات (ثامن‌الائمه) تازه روحیه جبهه‌ها قدری بهبود نیز به مدرک قابل قبولی برای روشن‌شدن ابعاد مبهم این حادثه نرسیدند یا حداقل من با مراجعه به آرشیو اطلاعات و نشریات آن زمان به این جمع‌بندی رسیده‌ام که آقای رای‌شهری هم نتوانستند به نتیجه خاصی برسند. در نتیجه پرونده را مختومه اعلام کردند. ناگفته نماند که برادر شهید نامجو هم در همین حادثه سقوط هواپیما در هفتم مهر سال ۶۰ به شهادت رسیدند.

● درخصوص سرداران محسن رضایی و رحیم‌صفوی چطور؟ چون سرهنگ شریف‌النسب در مصاحبه با شما به این دو در کنار رای‌شهری اشاره کرده بود.

واقعیت آن است که ایشان (شریف‌النسب) معتقدند منطقا این افراد بیشتر از همه به ابعاد و زوایای حادثه واقف هستند؛ چون گزارش‌ها، اطلاعات و نتیجه بررسی‌ها به آنها داده می‌شد. اما به هر دلیل این آقایان در این رابطه فعلا سکوت کرده‌اند.

● درپژوهش تاریخی، گردآوری اطلاعات و مصاحبه برای تهیه مستند سقوط سی-۱۳۰ سراغ این دو (رضایی و رحیم‌صفوی) رفتید؟

بله؛ مگر می‌شود سراغشان نرفت؟!

● نتیجه چه شد؟ چون من در مستند شما با مجموعه مصاحبه‌های منتشرشده از شما با افراد دخیل و درگیر با این حادثه، مصاحبه ندادند.

حقیقت آن است من زمانی که می‌خواستم در این خصوص با آقای محسن رضایی گفت‌وگو کنم، ایشان به من وقت مصاحبه ندادند.

● سردار رحیم‌صفوی هم؟

بله آقای رحیم‌صفوی هم مانند محسن رضایی وقت مصاحبه‌ای به من ندادند. البته آقای رای‌شهری هم که در زمان تولید مستند در قید حیات بودند، به من وقت مصاحبه ندادند. جا دارد این را هم بگویم که اساسا مرحوم رای‌شهری درخصوص دیگر پرونده‌های دادگاه انقلاب هم که کار پژوهشی انجام می‌دادم، وقت مصاحبه‌ای به من ندادند؛ گویا خیلی تمایلی به گفت‌وگو در این رابطه‌ها نداشتند.

● به سراغ مرحوم نامجو آنها رفتید. آیا در مصاحبه‌هایی که با خانواده مرحوم کلاهدوز، فلاحی، جهان‌آرا و فکوری هم که داشتید، به نتایج و ابعاد جدیدی از این حادثه نرسیدید؟

واقعیت امر آن است که من از مصاحبه با خانواده این شهدا و فرمانده‌های ارشد سپاه و ارتش به مسئله خاصی نرسیدم.

● چرا؟ مگر می‌شود خانواده این فرماندهان چیزی ندانند؟

چون اطلاعات خاصی از طرف مقامات و مسئولان در آن زمان در اختیار خانواده آنها قرار نگرفته بود که بخواهند آن را به من انتقال دهند. همان‌گونه که قبلا اشاره کردم، خانواده شهید نامجو و پسر ارشدش به‌صراحت عنوان کردند وزارت اطلاعات این پرونده را مختومه اعلام کرد. خانواده شهید فکوری و پرسش آقای علی فکوری هم در گپ‌وگفت با من مطلع هستند که سقوط هواپیما در هفتم مهر در حالی که در حال جابه‌جایی نیروها در غرب و جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های

آنکوه به مطرح است این فرماندهان حاضر در هواپیمای سی-۱۳۰ از ۳مدا اهواز اساسا با هدف و نیت حضور در جحران و مشورت با امام عازم تهران بودند. مسئله طرح عملیات آزادسازی خرمشهر نیز یکی از موضوعات مهم و پیچیده بحث‌برانگیز در دیدار با امام بود. تکته مهم‌تر آنجاست که قرار بود بعد از آزادسازی خرمشهر جنگ هم به پایان برسد.

◆◆◆

سقاط شدن هواپیمای مسافبری اوکراینی یا پدافند خودی باعث شد بررسی ابعاد سانحه سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ در ۷ مهر سال ۱۳۶۰ بیش از قبل به یک تابو تبدیل شود. بنابراین در این چند سال فعلا صلاح دیدم قسمت دوم آن ساخته نشود. چون احتمال داشت با حواشی بعدی اساسا کل مسئله به حاشیه کشیده شود.

● زمان برسمتک دوره رونمایی از مستند محمدعلی شریف‌النسب، از فرماندهان میانی ارتش در دوران جنگ، در اظهارنظری در هفت مهر ۱۳۹۶، این واقعه را «در حد مشکوک» عنوان کرد.

آقای شریف‌النسب با مرحوم فلاحی، کلاهدوز و نامجو سابقه رفاقت داشته است اما زمانی که من برای تهیه این مستند با اعضای خانواده این فرماندهان مصاحبه و گفت‌وگو داشتم، نکته مهمی را پسر ارشد شهید نامجو ذکر کردند. دال بر اینکه رابطه و دلایل این حادثه و سقوط برای مقامات و مسئولان آن زمان هم مشخص نبود و گفته می‌شد در حال بررسی و پیگیری مسئله هستند. حالت اینجاست که بعد از تشکیل وزارت اطلاعات، بررسی ابعاد و عوامل سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ به این وزارتخانه سپرده شد اما وزارت اطلاعات در آن زمان این پرونده را مختومه اعلام کرد.

● یعنی وزارت اطلاعات دوره وزیری شهری دادستان و پرونده رسیدگی کند؟

آن‌گونه که پسر ارشد شهید نامجو به من گفتند، آن زمان وزارت اطلاعات عنوان کرد به دو دلایل و وقوع هست‌وند و قطعی‌ای نرسیده است که بتواند ابعاد این حادثه را کشف کند. البته سن فرزند شهید نامجو به آن زمان نمی‌رسد که

● آیا این ابهام می‌تواند به دلیل مسائل مربوط به بدنه ارتش باشد؟

سؤال جالبی را طرح کردید. از این بابت که من زمانی که پروسه کردآوری اطلاعات در رابطه با ساخت مستند حادثه هفتم مهر-۱۳۰ را پیگیر شدم، من از طرف خانواده شهید نامجو که پیگیر شدم، گویا خانواده شهید فلاحی هم از این مسئله گلایه می‌کردند.

● ولی در این بین خانواده شهید جهان‌آرا برخی ادعاها را مطرح کردند. در این رابطه ادعای پدر شهید جهان‌آرا مبنی بر کارگزاری بمب دریکی از تابوت‌های شهدا و انفجار آن در هواپیما به‌عنوان علت اصلی سقوط سی-۱۳۰ را تا چه حد جدی می‌دانید؟

بله. پدر شهید جهان‌آرا قبل از فوتشان در جد مصاحبه این ادعا را مطرح کردند اما حقیقتا من در پژوهش‌هایی که انجام دادم و در مصاحبه با افراد، کارشناسان و کسانی که در این حادثه به شکل مستقیم درگیر بودند، صحبت این ادعا را رد کردند. حتی خود خلبان خودش گفته‌اند که در داخل هواپیما اصلا بمبی معنی نشده است، چه در تابوت شهدا یا هر جای دیگر.

● سؤال مهم‌تری که مطرح است. این است که چرا با این حادثه و شهادت ولی‌الله فلاحی، جواد فکوری، سیدموسی نامجو، یوسف کلاهدوز و محمد جهان‌آرا تاثیری ملموس در جبهه‌ها احساس نشد؟ به هر حال خط همزمان کلیل ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) در یک واقعه عملا می‌تواند وضعیت جبهه‌های جنگ را تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌خصوص آنکه خلوء نسلسله مشترک و افسران ارشد سال ۶۰ و اوایل سال ۶۱ مطرح نبود؛ یعنی ایران هنوز یک توازن قوا در برابر عراق نرسیده بود. بنابراین شکندگی جبهه‌ها کاملا بزرگ بود و با این اتفاق می‌توانست وضعیت بیش از پیش شکننده‌تر شود؟

اتفاقا همین‌طور هم بود و این حادثه تاثیر مخربی بر روحیه رزمندگان گذاشت.

● البته بیش از این حادثه عملیات‌هایی همچون «ثامن‌الائمه» و شکست حصر آبادان، عملیات سوسنگرد با عملیات‌های کوچکی مانند عملیات کوی ذوالفقار، عملیات نصر، مسلم بن‌عقیل، محمد رسول‌الله، شهید مدنی، ضربت ذوالفقار، عملیات ثامن توکل و... انجام شده بود اما توازن یک‌سانی لازم به عملیات‌های مانند طریق‌القدس در آبان ۶۰ یا عملیات فتح‌المبین در فروردین ۶۱ و از همه مهم‌تر فتح خرمشهر (بیت‌المقدس) در خرداد ۶۱ و رسیدن به نقطه صفر مرزی با عراق صورت نگرفته بود. این حادثه و دنبود این افراد در این برهه زمانی چگونه برشد؟

واقعیت این است زمانی که در یک روز پنج فرمانده ارشد و سپاه طی حادثه‌ای مشکوک و مبهم مفقود می‌شوند، قطعا می‌تواند یک خلأ بزرگ را در روحیه تمام رزمندگان در کل جبهه‌ها در غرب تا جنوب ایجاد کند؛ بنابراین عملیات‌های

آنکوه به مطرح است این فرماندهان حاضر در هواپیمای سی-۱۳۰ از ۳مدا اهواز اساسا با هدف و نیت حضور در جحران و مشورت با امام عازم تهران بودند. مسئله طرح عملیات آزادسازی خرمشهر نیز یکی از موضوعات مهم و پیچیده بحث‌برانگیز در دیدار با امام بود. تکته مهم‌تر آنجاست که قرار بود بعد از آزادسازی خرمشهر جنگ هم به پایان برسد.

◆◆◆

سقاط شدن هواپیمای مسافبری اوکراینی یا پدافند خودی باعث شد بررسی ابعاد سانحه سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ در ۷ مهر سال ۱۳۶۰ بیش از قبل به یک تابو تبدیل شود. بنابراین در این چند سال فعلا صلاح دیدم قسمت دوم آن ساخته نشود. چون احتمال داشت با حواشی بعدی اساسا کل مسئله به حاشیه کشیده شود.

● زمان برسمتک دوره رونمایی از مستند محمدعلی شریف‌النسب، از فرماندهان میانی ارتش در دوران جنگ، در اظهارنظری در هفت مهر ۱۳۹۶، این واقعه را «در حد مشکوک» عنوان کرد.

آقای شریف‌النسب با مرحوم فلاحی، کلاهدوز و نامجو سابقه رفاقت داشته است اما زمانی که من برای تهیه این مستند با اعضای خانواده این فرماندهان مصاحبه و گفت‌وگو داشتم، نکته مهمی را پسر ارشد شهید نامجو ذکر کردند. دال بر اینکه رابطه و دلایل این حادثه و سقوط برای مقامات و مسئولان آن زمان هم مشخص نبود و گفته می‌شد در حال بررسی و پیگیری مسئله هستند. حالت اینجاست که بعد از تشکیل وزارت اطلاعات، بررسی ابعاد و عوامل سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ به این وزارتخانه سپرده شد اما وزارت اطلاعات در آن زمان این پرونده را مختومه اعلام کرد.

● یعنی وزارت اطلاعات دوره وزیری شهری دادستان و پرونده رسیدگی کند؟

آن‌گونه که پسر ارشد شهید نامجو به من گفتند، آن زمان وزارت اطلاعات عنوان کرد به دو دلایل و وقوع هست‌وند و قطعی‌ای نرسیده است که بتواند ابعاد این حادثه را کشف کند. البته سن فرزند شهید نامجو به آن زمان نمی‌رسد که

● آیا این ابهام می‌تواند به دلیل مسائل مربوط به بدنه ارتش باشد؟

سؤال جالبی را طرح کردید. از این بابت که من زمانی که پروسه کردآوری اطلاعات در رابطه با ساخت مستند حادثه هفتم مهر-۱۳۰ را پیگیر شدم، من از طرف خانواده شهید نامجو که پیگیر شدم، گویا خانواده شهید فلاحی هم از این مسئله گلایه می‌کردند.

● ولی در این بین خانواده شهید جهان‌آرا برخی ادعاها را مطرح کردند. در این رابطه ادعای پدر شهید جهان‌آرا مبنی بر کارگزاری بمب دریکی از تابوت‌های شهدا و انفجار آن در هواپیما به‌عنوان علت اصلی سقوط سی-۱۳۰ را تا چه حد جدی می‌دانید؟

بله. پدر شهید جهان‌آرا قبل از فوتشان در جد مصاحبه این ادعا را مطرح کردند اما حقیقتا من در پژوهش‌هایی که انجام دادم و در مصاحبه با افراد، کارشناسان و کسانی که در این حادثه به شکل مستقیم درگیر بودند، صحبت این ادعا را رد کردند. حتی خود خلبان خودش گفته‌اند که در داخل هواپیما اصلا بمبی معنی نشده است، چه در تابوت شهدا یا هر جای دیگر.

**● سؤال مهم‌تری که مطرح است. این است که چرا با این حادثه و شهادت ولی‌الله فلاحی، جواد فکوری، سیدموسی نامجو، یوسف کلاهدوز و محمد جهان‌آرا تاثیری ملموس در جبهه‌ها احساس نشد؟ به هر حال خط همزمان کلیل ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) در یک واقعه عملا می‌تواند وضعیت جبهه‌های ج